

ایران آئینهٔ حبهان

(۷)

کیکائوس جهاننداری
ترجمه از کتاب لوئی هو

هنر ایلامی

در حدود يك هزار و شصت سال قبل از میلاد مسیح کاسی‌ها که از قبایل کوه‌نشین بودند از زاگرس به سراسر دشت بین‌النهرین پراکنده شدند و در بابل مستقر گردیدند و در حدود شصت سال تمام در آن دیار ماندند. اینها که پاسداران برجستهٔ سنن بین‌النهرین محسوب می‌شوند شهرهائی را که تسخیر کردند بخوبی نگاهداری نمودند و در آنجا بناها و یادگارهای بسیار مهمی از قبیل زیگورات عرقوف برپا داشتند. درست به موازات سلسله‌های کاسی بابل يك سلسلهٔ ایلامی نیز در دومین نیمهٔ هزارهٔ دوم قبل از مسیح در شوش فرمانروائی می‌کرد. سرانجام نیز ایلام آخرین ضربه مهلك را به کاسی‌ها وارد کرد. این سرزمین بدست فرمانروایان برجسته‌ای مانند اوتش، هوبن، شترک، نخوتته و شیلهک، اینشوشیناک اداره می‌شد. در ابتدای قرن دوازدهم ایلام تحت قیادت شترک - نخوتته به ذروهٔ قدرت و اعتلای خود رسید. این افتخار نصیب او شد که به بابل حمله‌ور شود و بقایای کاسی‌ها را منکوب سازد. قوای ایلامی به‌آسور دست می‌یابند و چنین بنظر می‌رسد که سراسر غرب ایران از وحدتی که بدین‌طریق بدست آمده بود برخوردار شده باشد. اما از اواخر هزارهٔ دوم قبل از میلاد سرعت و فتوری در ارکان آنها نمودار می‌شود. نبودن نظر اول از تسخیر شوش بلندآوازه می‌گردد و بدین‌طریق باز ایلام از صحنه تاریخ محو می‌گردد.

حفریات شوش و چغازنبیل شواهد مهمی از هنر ایلامی بدست دادند از معماریهای پراپهت زیگورات تا مدال‌سازی و کنده‌کاری، از حجاری تا مجسمه‌های کوچک و بزرگ. تاریخ ایلام تقریباً تاریک و مبهم مانده است و تنها به کمک مدالها و مهرهاست که، می‌توانیم هنر ایلامی را به سه شیوهٔ قدیم، متوسط و جدید تقسیم کنیم:

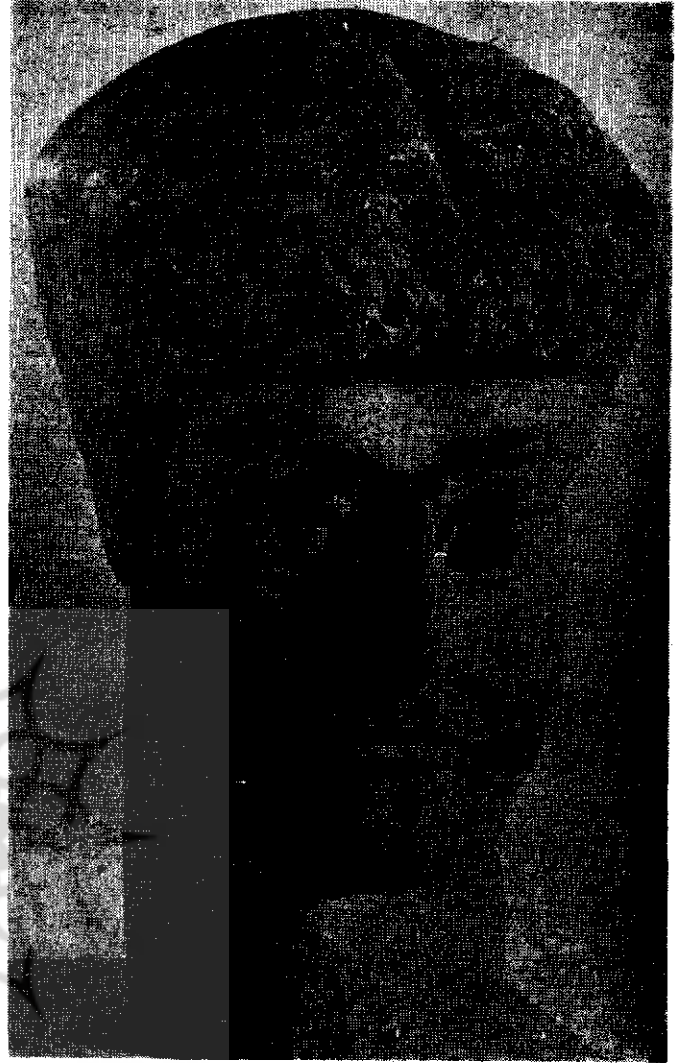
از نخستین دوره (نیمهٔ اول هزارهٔ دوم قبل از میلاد) آثار معماری بسیار کمی بجا مانده است. برخلاف آن از دورهٔ متوسط بین هزار و پانصد و هزار قبل از میلاد زیگورات چغازنبیل کشف شده و بهمین سبب توجه‌ها را به خود جلب کرده است. در این موضع برجی یا بهتر بگوئیم کوه با عظمتی از آجر برپای کرده‌اند که بریابان اطراف خود کاملاً مسلط است. در بین‌النهرین تقریباً بیست زیگورات بدست آمده‌است (و از آن جمله در بابل، بوریسیا، اور، آسور و غیره) اما هیچ يك از آنها به خوبی زیگورات چغازنبیل برجای نمانده و هیچ‌يك دارای ابعادی به این ابهت نیست (ارتفاع بیست و پنج متر). بر اثر يك عکس هوائی که توسط شرکت هواپیمائی ایران و انگلیس گرفته شد به وجود این زیگورات پی بردند. کمیسیون باستان‌شناسی شوش که متوجه این نقطه شده بود از سال ۱۹۳۶ تا سال ۱۹۳۹ در این نقطه به چند حفاری دست زد. تحت سرپرستی گیرشمن از سال ۱۹۵۱ تا ۱۹۶۲ در آنجا باردیگر کار از سر گرفته شد اما هنوز نتایج قطعی آن

1 - R. Ghirshman, L'Iran des origines à l'Islam... p. 52.

2 - R. de Mecquenem, Recherches à Choga - Zambil MMAI, Vol. 33.



سر حیوان از گل پخته با آثاری از روکش سفید رنگ چشمها آبی رنگ
از زیویه هشت تا هفت قرن قبل از میلاد مسیح - موزه تهران ایرانباستان



سر مرد ریشدار - از شوش سبک ابلامی - ابتدای اولین هزاره
قبل از میلاد - لوور

منتشر نگردیده است.^۴ گذشته از زیگورات چندین کاخ و یازده معبد کشف شد. این معابد به گروههای سه تائی و چهار تائی تقسیم شده و جمعی در یک زاویه مقدسه تعبیه شده‌اند. یکی از آنها مخصوص پرستش این شوشیناک خدای شوش و بقیه خاص عبادت هوبان، کریریسکا و ایشنی‌حرب است. این بناهای مختلف را یک دیوار بیضی‌شکل که به موازات حدود تپه است دربر گرفته است (۱۳۰۰ × ۸۷۵ یارد) در داخل باز دیوار دیگری است بشکل مربع (۳۳۰ × ۴۴۰ یارد). این زیگورات مخصوص پرستش این شوشیناک خدای محافظ شوش ساخته شده است. کتیبه‌هایی که بروی آجر تعبیه شده اونتش - هوبان را بانی آن بنا ذکر می‌کند. برج مطابق سنن بین‌النهرین مربع‌شکل است که هر ضلع آن ۱۰۵ متر دارد و از پنج طبقه‌ای که در اصل داشته است فعلاً سه طبقه آن به جا مانده است. چنین بنظرمی‌آید که این بنا را در دو دوره مختلف ساخته باشند. دوره اول بنای بزرگ چهارگوشی است با حیاطی در وسط آن. بین دیوارها فضاهائی است که روی آنها گنبد دارد. خود این بنا از خشت ساخته شده که هشت متر ارتفاع و هشت متر عرض دارد. تنها در قسمت شمال شرقی این مقدار به ۱۲ متر می‌رسد. در نتیجه طبقات بالاتر هر کدام داخل طبقه کوتاهتر از خود ساخته شده‌است به طوری که پایه هر طبقه مستقیماً بر زمین قرار دارد بنابراین

۳ - برای گزارش مقدماتی این حفاریها رجوع کنید به Arts Asiatiques سال ۱۹۵۴.



راست: ظرف استوانه - دسته‌ها بشکل دولف‌ری که ایستاده‌اند. محل کشف شوش ۴۳۰۰ سال قبل از مسیح - موزه ایران باستان
چپ: مجسمه از اینوشوشیناک - شوش - طلا و نقره دوره متوسط ایلامی (قرن سیزدهم تا دوازدهم قبل از مسیح) - لوور

مرتفع‌ترین طبقه‌ها درمیانه واقع شده‌است. در هر طرف این بنا يك دروازه بزرگ تعبیه شده و از آنجا پله‌ای به قسمتهای بالا می‌رود. سه تا از این پله‌ها به طبقه دوم ختم می‌شود. تنها مدخل جنوب غربی به آخرین نقطه برج می‌رسد و ظاهراً معبد این شوشیناک نیز در این نقطه قرار داشته است. در کنار زیگورات کاخی است که بدون شك مقبره‌ای بوده است. در آنجا پنج مفاک کشف شد که احتمالاً گور پادشاهان بوده‌است. این مفاک‌ها را در عمق شش متری با آجری که به قیر آغشته است طاق زده‌اند. یکی از این مفاک‌ها هیچ‌گاه مورد استفاده قرار نگرفته، دوتای دیگر غارت شده و دوتای بقیه دست نخورده باقی مانده است. این گورها همه حاکی از طرز تدفین است که تا بحال در ایلام سابقه نداشته است. اجساد را با اسلحه و زینت آلات يك جا سوزانده‌اند؛ ممکن است که این طرز تدفین فقط مخصوص اعضاء خاندان سلطنتی بوده‌است.

از مطالعه در این ساختمان‌ها مشکلی بنظر می‌آید که باید به حل آن همت کرد و آن تأمین آب آشامیدنی است. آب شیرین در این ناحیه فقط در عمق صد متری بدست می‌آید. در عملیات حفاری سالهای ۲ - ۱۹۶۱ دنبال دیوار خارجی زیگورات را به طرف مغرب گرفتند و در آنجا به منبع آبی رسیدند که دیوار از میان آن می‌گذشت. با تعبیه سدی در وسط منبع آب، دیوار را از رخنه آب حفظ کرده‌اند.

این منبع بزرگ آب توسط نه ترعه با منبع کوچک دیگری مربوط می‌شود. آب پرگل ولای به منبع بزرگ می‌ریزد و از آنجا به منبع کوچکتر که مرکز آب صاف است می‌رود. درباره این زیگورات باید به فصل یازدهم، آیه دو تا چهار سفر تکوین رجوع کرد که در آنجا چنین آمده است: «و واقع شد هنگامی که از طرف شرقی میکوچیدند اینکه وادی را در زمین شعار یافتند و در آنجا ساکن شدند. و بهم دیگر گفتند که بیایید تا خشتها را بسازیم و آنها را

با تش بسوزانیم و ایشان را خشت بجای سنگ و گل چوب بجای گچ بود و گفتند که بیائید بجهت خود شهری و برجی را که سرش با آسمان بساید بنا کنیم . . .»

گیرشمن کوشیده است که پرستشگاه را در صورت اصلی خود بنمایاند. او چنین فرض می کند که در برابر مدخل اصلی کرسی خطابه ای با تخت پادشاه قرار داشته است و مقابل مدخل محتملاً قربانگاههایی به شکل هرمهای ناقص بوده است. این خیلی جالب توجه است که تشریفات شبیه آنچه در برابر مدخل زیگورات انجام میشده در روی يك لوح مفرغی تصویر گردیده است. این لوح بنام سیت - شمشي شهرت دارد و هیأت اکتشافی مورگان درشوش به کشف آن توفیق یافته است. اندازه این لوح $60\% \times 40\%$ متر است⁴.

این لوح را داخل يك تخته گچ و تخته گچ را در دیوار کار گذاشته بودند. متأسفانه چند قسمت از این لوح چنان آسیب دیده است که دیگر قابل مرمت نیست⁵. از کتیبه چنین برمی آید که تشریفات خاص طلوع آفتاب مورد نظر بوده و آن لوح به فرمان شیلهک این شوشیناک (قبل از مسیح ۱۱۵۱ - ۱۱۶۵) ساخته شده است. به این نتیجه رسیده اند که این لوح تنها اثر متعلق به شرق نزدیک است که در هر سه بُعد خود سالم به دست رسیده است⁶. در میان لوح دونفر رودر روی یکدیگر نشسته اند. یکی از آنها دستهای خود را در حالی که کف آنها رو به آسمان است دراز کرده است و دیگری آن دستها را با آب متبرک که در ظرفی است می شوید. در حاشیه لوح دو بنا دیده می شود که دارای دو یا سه طبقه است. این طبقه ها احتمال دارد که همان برجها باشند. مقابل مرتفع ترین زیگورات قربانگاهی است که در سطح فوقانی آن شش جام گذارده اند. در هر طرف معبد چهار هرم ناقص کوچک به نشانه چهارده تخته سنگی که در زیگورات چغازنبیل در دو ردیف هفت تائی در برابر پله جنوب شرقی قرار دارد دیده می شود. دو ستون مخروطی شکل در طرفین محراب واقع است.

ظرف بزرگ حاوی آب متبرک در پشت یکی از این دونفر است. تصویر قراردادی چهار درخت که نماینده بیشه مقدس معبد به شمار می رود⁷ سخت صدمه دیده است. در پس این درختها و آبگیر و یک ستون دیده می شود که مارا به یاد سنگی مخصوص عبادت سامی ها می اندازد.

این اثر منحصر به فرد که از نیمه اول قرن دوازدهم قبل از مسیح است به ما امکان می دهد که تصور تقریباً دقیقی از تشریفات مذهبی که در اواخر هزاره دوم قبل از مسیح درشوش انجام می گرفته بدست آوریم. در این اثر نه تنها دین ایلامی به دقت تصویر شده بلکه از آن می توان به آئین و رسوم دین شرقی با تمام اطراف و جوانب آن پی برد. زیگوراتها دشت بین النهرین را به یاد ما می آورند. بیشه مقدس با احترام و ستایشی که سامی ها برای هر درخت دارند مطابق است. کوزه بزرگ فکر آبهای زیرزمینی سومر را در بیننده به خاطر می آورد، چیزی مانند «دریای برنجی» (حوض بزرگ برنجی که در معبد سلیمان واقع در بیت المقدس قرار دارد). و اما این دو ستون گویا بعدها در پرستشگاههای صور و بیت المقدس مقام شامخی احراز کردند⁸. از دوره ایلام متوسط آثار زیبایی فراوانی بصورت مجسمه بدست ما رسیده است. اما مهمتر از همه مجسمه ملکه ناپر - اسو همسر اوتناش هوبان⁹ است (در حدود ۱۲۷۷ - ۱۲۴۳). این مجسمه يك هزار

4 - Pezard et Pottier, Musée Nationale du Louvre, catalogue des Antiquités de la susione, Ravis Musées Nakonauqe 1226, No. 232.

5 - E. Gautier, Le Sit Shamshi de Silhak Insusinak, MDP XII (1911), p. 143 - 151.

6 - E. Porada, Iran Ancien, p. 55.

7 - Contenau. Manuel d'Archéologie Orientale, tome II, p. 922 (fig. 635).

8 - A. Parrot, Sumer, p. 332.

Pottier, op. cit. catalogue No. 230.

9 - Décrite par G. Lampre in MDP VIII (1905) p. 245 - 520. cf. Pézard et pottier, op. cit. catalogue No. 230.



راست: مجسمه مفرغی یکی از خدایان در حال ایستاده که جامه‌ای بلند دربردارد و شمشیر نیز حمل می‌کند. برجانه او کتیبه‌ای به خط میخی به زبان بابلی جدید وجود دارد - ۶۰۰ قبل از میلاد. اما خود مجسمه متعلق است به اوایل هزاره قبل از مسیح - لرستان - موزه ایران باستان
چپ: گلدان فلز نمکی رنگ با لوته و به شکل منقار و دارای سه پایه که با خود مجسمه از یک جنس و یک رنگ است - موزه ایران باستان



و هفتصد و پنجاه کیلو گرامی مهمترین مجسمه فلزی است که در شرق نزدیک به دست آمده است. متأسفانه سر و دست چپ این مجسمه مفقود شده است. با وجود این نقص باز ارتفاع آن به ۱٫۲۹ متر می‌رسد. اگر درست تقاض فنی آن عهد را در نظر بگیریم می‌توانیم این اثر را یک شاهکار هنر فلزکاری بدانیم. این مجسمه را در دو قسمت ریخته‌اند (برای تقویب مجسمه داخل آنرا باز از فلز ریخته پر کرده‌اند و ساختمان آن در حد کمال است. ملکه را با دستهایی که بروی هم قرار گرفته در حال دعا نشان داده‌اند. او انگشتری و دست‌بند دارد. لباس ملکه ساده است و تا کوچکترین جزئیات خود با دقت بسیار از طرف هنرمند نشان داده شده است (چین‌ها، قلابدوزی‌ها و حاشیه) بخصوص دستها همه توجه بیننده را بخود جلب می‌کند. ظرافت و آرامش این دستها بخوبی حالت بزرگی و نجیب‌زادگی را بازگو می‌کند).

یک سر برتری ایلامی - در موزه متروپولیتن نیویورک - نیز شاهد خوبی است برای هنر فلزکاری ایلامی. حالت چهره، آرام، موقر و جدی است. سر را با نوعی عمامه که باند‌های چپ و راست ساخته شده آراسته‌اند. این سر به سر یک نفر شوشی دیگر از ادوار بعد که از گل پخته ساخته شده و حالتی جدی و قدری خود پسندانه دارد شبیه است. معلوم است که در اینجا صورت واقعی فرد معینی را با گل ساخته‌اند نه اینکه خواسته باشند بطور عمومی و کلی هنرنمایی کنند^{۱۰}. همچنین دو مجسمه دیگر از شوش بدست آمده که یک قربانی را حمل می‌کنند. یکی از آنها از سیم است و دیگری از ترکیبی از زر و سیم هر یک از اینها به دست چپ خود یک قربانی را که بدون شک بزرگوچکی است حمل میکند؛ دست دیگر برای دعا بلند است. حالت صورت بطرز عجیبی به حالت سر برتری ایلامی شباهت دارد. تاریخ ساخت این هر دو مجسمه را می‌توان به قرون دوازدهم یا سیزدهم قبل از مسیح راجع دانست^{۱۱}.

از اینها گذشته باید از حجاریها نام برد. حجاری آن طرز بیان هنری است که تا اعصار بعد نیز به قوت خود باقی ماند. جالب توجه‌ترین این حجاریها را می‌توان در کل فیرون واقع در تنگه مال میر سراغ کرد. اشخاصی که تصویر شده‌اند همه ظاهری خیلی خیلی جدی دارند، کمرهاشان پهن است و جامه درازی دربردارند که تا زانو می‌رسد. این نقوش خشن و زمخت که هر یک را در جای مخصوص در سطح کل تصویر قرار داده‌اند به منزله مقدمه‌ای هستند برای تصاویر دسته‌جمعی دوره هخامنشی که به موقع خود بدان خواهیم پرداخت.

۱۰ - داستان کشف این مجسمه توسط R. de Mecquenem در جلد هفتم MDP (۱۹۰۵) صفحات ۱۳۱ تا ۱۳۶ بازگو شده است.

۱۱ - به عنوان مثال مجموعه J. Coiffard سفیر تهران که در سال ۱۹۵۸ در تملک موزه لوور قرار گرفت. رجوع کنید Revue du Louvre شماره یک سال ۱۹۶۳.